۲۰ نکته پیرامون عید فطر و وداع با ماه مبارک رمضان

در ماه خدا بمانیم!

■ میلاد امینی موحد ■

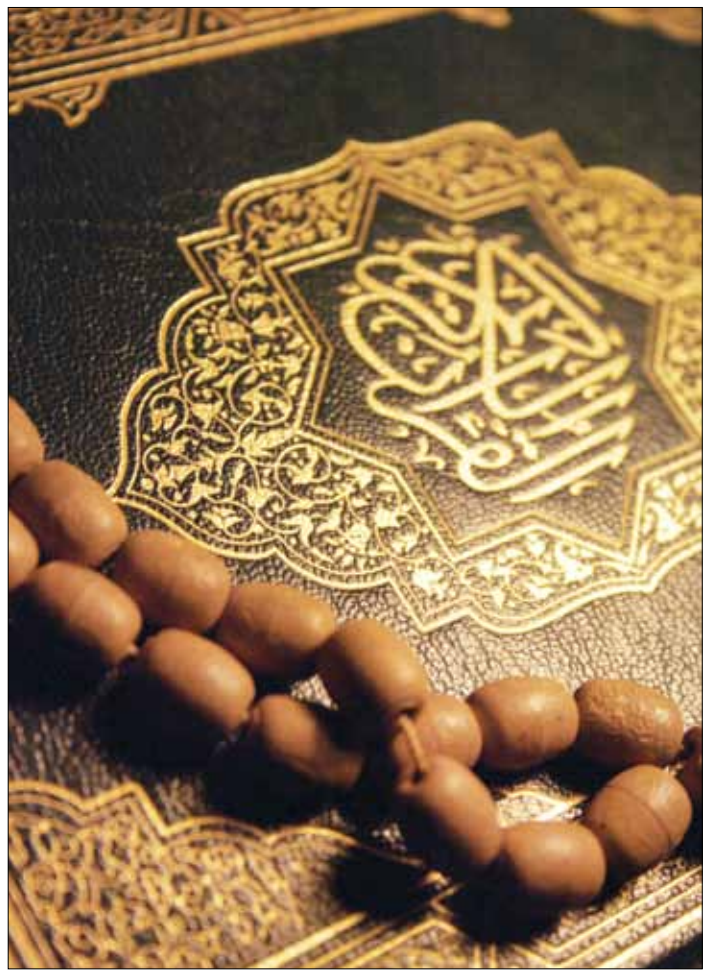

یکم - ماه رمضان، شهرالله است و در تمام این ماه شریف شیطان در غل و زنجیر است و تا پایان این ماه بندگان در حال ذخیره نیکی و اعمال خیر هستند پس بدون شک در پایان این ماه شیاطین با برنامه‌ریزی دقیق، مقابل در شهر خدا منتظر راهزنی از مومنین هستند! مواظب اندوخته‌های‌تان باشید.

دوم - ورود به ماه رمضان توفیقی اجباری از جانب خداوند متعال است[۱] اما خروج از شهر رمضان اختیاری است. خیلی‌ها در این ماه خدایی می‌شوند و تا سال دیگر خدایی می‌مانند. برخی نیز سال‌های سال خدایی می‌مانند!

سوم- یادتان باشد شما در این ماه، میهمان بخشش و عفو حضرت حق بودید. طبق روایات شب عید فطر خدا به تعداد تمام بخشیده‌شدگان در شب‌های ماه مبارک رمضان گنهکار می‌بخشد پس مبادا از قافله عقب بمانید![۲]

چهارم- راستی نام دیگر شب عید فطر «لَیْلَه الْجَوائِز» (شب جایزه‌ها) است[۳]، خداوند مُزد عمل‌کنندگان را بی‌حساب می‌دهد. پس احیای این شب را از دست ندهید.[۴] صبح عید فطر نیز خداوند، فرشتگان خود را به همه شهرها می‌فرستد. آنان به زمین فرود می‌آیند و سر راه‌ها و گذرگاه‌ها می‌ایستند و می‌گویند: «ای امت محمد! به سوی پروردگار کریم خویش بیرون آیید که پاداش فراوان می‌دهد و گناه بزرگ را می‌آمرزد».

پنجم - اگر توفیق قرائت دعای استقبال از ماه مبارک رمضان را نداشتید، دعای وداع با ماه مبارک رمضان را که در صحیفه سجادیه از امام سجاد روایت شده حتما بخوانید.

ششم - رمضان رفیقی دوست‌داشتنی با خاطراتی از جنس خداست، رفیق‌تان را چند قدمی بدرقه کنید. مثلا بعد از عید فطر روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه‌دار باشید.[۵] یا از دعاهای مشترکه‌اش فاصله نگیرید.

هفتم - ماه رمضان بهار قرآن است و حتما هر کسی تجربه شیرین ختم قرآن در ماه رمضان را چشیده است اما اگر می‌خواهید سالی سراسر بهاری داشته باشید ارتباط‌تان با قرآن را قطع نکنید مثلا قرار روزانه هم‌صحبتی با خدا بگذارید و روزی یک صفحه از کلام خدا را تلاوت کنید.[۶]

هشتم- تجربه خواندن نماز اول وقت را غنیمت شمرده و تمام تلاش‌تان را برای حفظ این دستاورد به کار گیرد. یادتان باشد ائمه معصومین ملاک تشخیص شیعیان را تقید به نماز اول وقت می‌دانستند.[۷]

نهم - حالا که توفیق سحرخیزی و خلوت با خدا نصیب‌تان شده است خوب است بدانید خدای بی‌همتا که همنشین بندگان است، هر سحر چشم انتظار نجوای دوباره با شماست.

دهم - راستی! اگر رفاقت‌تان با ماه رمضان عمیق شده است؛ قول و قراری با رفیق خود داشته باشید. مثلا به او قول ختم قرآن تا سال آینده را بدهید و از او وعده بگیرید...

یازدهم- بزرگان همیشه توصیه می‌کنند اعمال نیکی را که انجام می‌دهید به امین‌الله که امام زمان است هدیه داده و به رسم امانت نزد او بسپارید. قطعا وجود مقدس امام زمان تنها کسی در عالم است که از این امانت بدرستی حفاظت خواهد کرد تا روز قیامت به خدا تحویل شود.

دوازدهم - ماه خدا بهانه‌ای برای همدردی با فقرا و مساکین بود. دستگیری از فقرا و نیازمندان را بعد از ماه رمضان هم ادامه دهید، دعای نیازمندِ آبرومند سر هر سفره‌ای مستجاب است!

سیزدهم - استقامت در مقابل درخواست‌های نفسانی و مقاومت در مقابل سختی‌ها یکی از دستاوردهای روزه‌داری در ماه رمضان است، این روحیه را در تمام ابعاد زندگی‌تان توسعه دهید.

چهاردهم - ماه رمضان بهانه‌ای شده بود برای رفت و آمد و حضور بموقع و بی‌موقع در خانه خدا. خانه‌ای که درش همواره به روی بندگان باز است. قدر این اتصال و حضور را بدانید و سعی کنید یک وعده از نمازهای‌تان را در مسجد بخوانید.

پانزدهم - عده زیادی با مطالعه کتاب، اوقات روزه‌داری را سپری می‌کردند اگر از این طیف روزه‌داران بوده‌اید به شما تبریک می‌گوییم. فصل جدید زندگی‌تان را با مطالعه کتاب‌های مفید و خواندنی شروع کنید.

شانزدهم - حضور در سفره‌های افطار اقوام و بستگان نیز از مصادیق دقیق صله رحم بوده که می‌توانیم با برنامه‌ریزی در طول سال نیز ارتباط‌مان با فامیل را نزدیک‌تر کرده و به این توصیه دینی جامه عمل پوشانیم.

هفدهم- حتما اطلاع دارید کتاب مفاتیح‌الجنان[۸] تنها حاوی اعمال و ادعیه ماه مبارک رمضان نیست! به این کتاب پررمز و راز در همه اوقات و مناسبت‌ها مراجعه کنید. در مفاتیح‌الجنان برای مشکلات مختلف زندگی، براحتی کلیدهای موثری پیدا خواهید کرد.

هجدهم- همنشینی با نیکان در قالب هیات و مجالس مذهبی در تکایا و مساجد به مناسبت شب قدر و ایام شهادت حضرت علی علیه‌السلام، فرصتی می‌شود تا در مناسبت‌های دیگر سال نیز از نعمت مجالس مذهبی بهره ببرید. راستی! امام سجاد علیه‌السلام در دعای ابوحمزه ثمالی یکی از دلایل جدایی از خدا را عدم همنشینی با خوبان ذکر می‌کند![۹]

نوزدهم - حساسیت به طیب و طاهر بودن سحری و افطار که امری پسندیده و مورد تاکید خداوند در قرآن است[۱۰] را بعد از ماه مبارک رمضان نیز نسبت به خورد و خوراک خویش داشته باشید و بدانید که رسول خدا در این زمینه فرمود: وقتی بنده‌ای مشغول تناول غذایی می‌شود که از راه حلال به دست آورده است فرشته‌ای هم مشغول طلب بخشش برای او می‌شود تا زمانی که او دست از خوردن بکشد.[۱۱]

بیستم: ماه رمضان سراسر بهانه بود برای ارتباط با «رفیق من لا رفیق له»[۱۲]، پس روزانه یا هفتگی و حتی ماهانه بهانه‌هایی برای ارتباط با حضرت دوست فراهم کنید و لازم است بدانید گاهی بهشت را حتی به بهانه هم می‌دهند!

***

پی‌نوشت

۱- عیون اخبار الرضا- ج۱- حدیث ۵۳ - وَ هُوَ شَهْرٌ دُعِیتُمْ فِیهِ إِلَی ضِیافَهِ اللهِ وَ جُعِلْتُمْ فِیهِ مِنْ أَهْلِ کَرَامَهِ اللهِ؛ ماهی که در آن به ضیافت خدا خوانده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید.

۲- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۸ - موقع افطار، هزار هزار [=یک میلیون] نفر از گناهکاران را خدا می‌بخشد. در شب جمعه و روز جمعه و شب‌های قدر خداوند در هر ساعتی هزار هزار نفر را می‌بخشد و در شب عید فطر به اندازه آنچه در کل ماه بخشیده است، در آن شب باز می‌بخشد.

۳- اصول کافی ج ۴ ص ۶۸ - امام صادق علیه‌السلام درباره این جایزه فرمود: أَمَا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ مَا هِیَ بِجَائِزَه الدَّنَانِیرِ وَ لَا الدَّرَاهِمِ؛ سوگند به کسی که جانم به دست اوست این جایزه از جنس درهم و دینار (مادی) نیست.

۴- مصباح المتهجّد، ص۸۵۳ - کانَ أمیرُ المُومنینَ علیه‌السلام لا یَنامُ ثَلاثَ لَیالٍ: لَیلَهَ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ، ولَیلَهَ الفِطرِ ولَیلَهَ النِّصفِ مِن شَعبانَ»؛ امیر مؤمنان علیه‌السلام سه شب را نمی‌خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه شعبان.

۵- روزه گرفتن در روز عید فطر طبق نظر مراجع، حرام و روزه روز عید فطر باطل است.

۶- با تو گر خواهی خدا گوید سخن، قرآن بخوان

۷- الخصال، ج ۲- ص ۱۰۳ - امام صادق علیه‌السلام امْتَحِنُوا شِیعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثِ عِنْدَ مَوَاقِیتِ الصَّلَاه کَیْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَیْهَا وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ کَیْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا وَ إِلَی أَمْوَالِهِمْ کَیْفَ مُوَاسَاتُهُمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِیهَا. امام صادق(ع) فرمودند: شیعیان ما را در ۳ چیز آزمایش کنید: در اوقات نماز که تا چه اندازه مراقبت آنها را دارند و در اسرار مذهبی که چگونه آنها را از دشمنان ما حفظ می‌کنند و در ثروت‌شان که با برادران دینی خود تا چه مقدار کمک و همراهی می‌کنند.

۸- مفاتیح‌الجنان (به معنای کلیدهای بهشت‌ها) نام رایج‌ترین کتاب دعا در بین شیعیان، تألیف شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) است. این کتاب مجموعه‌ای از دعاها، مناجات‌ها، زیارات، اعمال مخصوص ایام سال و ماه و آداب و رسوم دینی است که از پیامبر اسلام و ائمه شیعیان و علما نقل شده است. مؤلف مفاتیح بخش زیادی از این کتاب را از کتاب‌های پیشین مانند اقبال سید بن طاووس و مصباح کفعمی و زادالمعاد علامه مجلسی گرفته است. متن دعاها و زیارت‌ها به عربی نوشته شده و مؤلف در آغاز بعضی دعاها توضیحات فارسی آورده است. مفاتیح سال ۱۳۴۴ق در مشهد منتشر و در مدت کوتاهی همه‌گیر شد. این کتاب در خانه‌ها و اماکن متبرکه شیعیان ایران یافت می‌شود و غالبا تنها منبع مورد مراجعه بسیاری از شیعیان جهان برای اعمال مستحبی و در مناسبت‌های مذهبی است.

۹- مفاتیح الجنان – دعای ابوحمزه ثمالی - لَعَلَّکَ فَقَدْتَنِی مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی فِی الْغَافِلِینَ فَمِنْ رَحْمَتِکَ آیَسْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِینَ فَبَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ خَلِّیْتَنِی

۱۰- قرآن کریم سوره عبس آیه ۲۴ -فَلْیَنْظُرِ الْإِنسانُ إِلی طَعامِه

۱۱- میزان الحکمه ج ۷ - مَنْ أَکَلَ الْحَلَالَ قَامَ عَلَی رَأْسِهِ مَلَکٌ یَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّی یَفْرُغَ مِنْ أَکْلِه

۱۲- یکی از نام های خداوند متعال که برگرفته از دعای جوشن کبیر است.

■ ■ ■

روایت فردوست از سرنوشت برخی سران فراری ساواک

کوچ به سیا و موساد؟!

فردوست در کتاب خاطرات خود نکاتی را از دیدار با ثابتی و عطارپور از روسای ساواک در دوران انقلاب مطرح می‌کند. رضا عطارپور مجرد (نام مستعار: دکتر حسین‌زاده؛ زاده ۱۳۱۷ خورشیدی در کاشان) یکی از بازجویان ساواک در کمیته مشترک ضد خرابکاری بود. او پس از اخذ دیپلم، در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۳۸ به صورت روزمزد (پیمانکاری) و در تاریخ ۵ آبان ۱۳۳۸ به صورت رسمی به استخدام ساواک درآمد. او تحصیلات خود را تا مقطع فوق‌لیسانس علوم سیاسی ادامه داد و دوره‌هایی چون «توجیه و حفاظت»، «تخصص بررسی»، «نبرد پنهان» و «جنگ‌های روانی» را در آلمان گذراند. او سمت‌هایی چون مسؤول دایره دوم، رئیس بخش دوم اداره یکم، معاون اداره پنجم عملیات و بررسی را بر عهده داشت و ۹ مرداد ۵۱ رئیس اداره یکم عملیات و بررسی اداره کل و در تاریخ ۱۰ مرداد ۵۷، معاون دوم اداره کل سوم شد.

زمانی که قائم‌مقام ساواک شدم، ثابتی یک جوان کمتر از ۳۰ سال بوده و شغل او ریاست بخش مربوط به احزاب پنهانی بود؛ او را ندیدم تا زمانی که مقدم را به جای مصطفی امجدی مدیرکل سوم کردم؛ ناصر مقدم مأموریت داشت آثار سوء دوران امجدی را در اداره کل سوم رفع کند و به این سازمان نظم و تحرک ببخشد؛ قرار بر این بود که او بدون توجه به بند و بست‌ها و سفارش‌ها جوانان با استعداد را تشویق کند و بالا بکشد و به آنها میدان جولان بدهد تا اداره کل سوم آن چیزی شود که باید باشد. روزی مقدم گفت: «تعدادی پرسنل در اداره کل سوم شناسایی کرده‌ام که بسیار لایق هستند؛ اگر هرچند وقت یکبار یکی از آنها را احضار کنید ولو برای صحبت‌های متفرقه، موجبات تشویق آنها فراهم می‌آید، زیرا خیلی علاقه دارند شما را ببینند!» اسامی را به خاطر دارم؛ اول ثابتی را گفت، سپس عطارپور و بعد فرنژاد.

به مقدم گفتم: «هر موقع خواستند مرا ببینند مختارند، به منشی من اطلاع دهند و بلافاصله فرد متقاضی احضار خواهد شد!»

این چند نفر بین خود نوبت گذارده بودند به طوری که حدوداً هر دو هفته یکبار یکی از آنها را می‌دیدم؛ پس از چند جلسه برداشت من از ثابتی این بود که بسیار مقام‌پرست و متظاهر است؛ دارای هوش خوب ـ و نه بیشتر ـ است. قوه بیان خیلی خوب دارد؛ در مجموع کارمند خوبی به شمار می‌رفت اما به علت آن قدرت بیان و تظاهر خود را بیش از آن چیزی که بود نشان می‌داد؛ این رفتار قطعاً در من اثری نداشت ولی در دیگران مانند مقدم و نصیری مسلماً بی‌اثر نبود.

دروغ و راست را مخلوط می‌کرد تا میزان فعالیت و موفقیت خود را ۳-۲ برابر واقع جلوه دهد؛ آرام و مسلط بر اعصاب خود بود؛ ساختمان فکری‌اش طوری بود که همیشه به او خوش می‌گذشت؛ از خود انتقاد نمی‌کرد و راضی و خیلی راضی از خود بود. حال آنکه عطارپور جوان، در کار خود جدی‌تر و علاقه‌مندتر بودند و متظاهر هم نبودند؛ بدون تظاهر، مشخص بود که قدرت فکری آن دو بیش از ثابتی است و ضمناً می‌توانند کاملاً مورد اعتماد واقع شوند، حال آنکه ثابتی به هیچ‌وجه نمی‌توانست اعتماد مرا جلب کند و به نظر من او برای کار اطلاعاتی ساخته نشده بود و بیشتر به درد کار سیاسی می‌خورد. هیچ وقت میل نداشتم مرئوس مستقیمی مانند ثابتی داشته باشم اما عطارپور را با طیب خاطر می‌پذیرفتم؛ فرنژاد را خوب به خاطر نمی‌آورم.

به هر حال، پس از مدتی مقدم با تأیید شورای‌عالی ساواک و تصویب من به این افراد ترقی داد و ثابتی رئیس اداره یکم اداره کل سوم شد؛ من که جاه‌طلبی ثابتی را می‌دیدم، خواستم او را در کار سیاسی مشغول کنم و لذا از هویدا خواستم یک پست وزارت به ثابتی بدهد، او مطابق طبع هویدا هم بود، زمانی که مساله را به ثابتی گفتم از حوشحالی باور نمی‌کرد. هویدا، ثابتی را خواست و وزارت را به او پیشنهاد کرد و او اجازه فکرکردن درباره نوع وزارتخانه را خواست؛ در همین احوال منوچهر آزمون(کارمند ساواک) معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان اوقاف شد. این مساله به ثابتی برخورد و از وزارت منصرف شد؛ او بعداً به من گفت: «وقتی آزمون که در ساواک چندین رده از من پایین‌تر بود، معاون نخست‌وزیر شود، دیگر وزارت چه افتخاری دارد؟!» من گفتم: «پس صبر کن تا نخست‌وزیر شوی! این حرف در او اثر کرد و باورش شد و تا زمان انقلاب این مساله در ذهنش بود».

ثابتی با این خصوصیات توانست قاپ نصیری را بدزدد و همه‌کاره ساواک شود؛ از فروردین ۵۰ به جای مقدم در اداره کل سوم منصوب شد؛ او در مساله حزب توده و تیمور بختیار گل کرد؛

نصیری مورد بختیار را به ثابتی واگذار کرده بود و او تعدادی افسر بازنشسته و فراری توده‌ای و غیرتوده‌ای را اطراف بختیار جمع کرد و کلک او را کند؛ سپس طرح اجرای یکسری مصاحبه‌های تلویزیونی با عنوان «مقام امنیتی» را داد و نصیری و محمدرضا برای خودنمایی پذیرفتند که در واقع نمایش خود ثابتی بود.

در این نمایش‌های تلویزیونی او بسیار خوب و محکم صحبت می‌کرد و همه را تحت تأثیر قرار می‌داد؛ به دلیل بیان عالی و عدم تردید در سخنانش.

دعوت‌ها از او در خانه رجال شروع شد و ثابتی در چندین میهمانی از من خواهش کرد شرکت کنم که شرکت کردم؛ در این میهمانی‌ها خانم‌های زیبا چندین هزار تومان هزینه آرایش خود می‌کردند تا مورد پسند «مقام امنیتی» واقع شوند و دور او را می‌گرفتند، خود را معرفی می‌کردند و کارت و آدرس می‌دادند.

من چند بار به چند خانم که میل داشتم صحبت کنم نزدیک شدم و هر چه گفتم «من فردوست هستم» بی‌فایده بود! همه «مقام امنیتی» را می‌خواستند و فردوست و امثال فردوست برای‌شان مهم نبود! این عنوان «مقام امنیتی» تا انقلاب روی ثابتی ماند و همه جا به پذیرایی از او افتخار می‌کردند.

ثابتی به عنوان مدیرکل سوم ساواک هر ۱۵ روز یکبار در جلسات شورای هماهنگی رده ۲ در «دفتر ویژه اطلاعات» شرکت می‌کرد و به علت همین خصایل شماره یک شورا شده بود؛ هرچه می‌خواست قالب می‌کرد و همه اعضای شورا تحت تأثیر او بودند؛ شاید دوسوم مدت جلسه را او به تنهایی صحبت می‌کرد و چون اتاق جلسه پهلوی اتاق کار من بود، صدایش را بخوبی می‌شنیدم؛ پس از خاتمه جلسه می‌ماند و اجازه ملاقات با من را می‌خواست که ملاقات می‌کردم.

در آن زمان از ساواک به بازرسی منتقل شده بودم و لذا ثابتی اخباری از وضع ساواک، به طور غیررسمی به من می‌داد؛ از جمله می‌گفت: «نصیری از طریق راننده من رفت و آمدهایم را زیر کنترل دارد.» این سیستم محمدرضا بود و برایم طبیعی بود. در این ملاقات‌ها او طبق معمول راست و دروغ را مخلوط می‌کرد و من چیزی از فعالیت‌هایش نفهمیدم؛ می‌خواست وانمود کند کارهای زیادی انجام می‌دهد و اکثراً از شبکه‌های موهوم صحبت می‌کرد و مدعی می‌شد رد اصلی شبکه پیدا شده و بزودی دستگیر خواهند شد ولی این شبکه‌ها هیچ وقت کشف نمی‌شد!

موارد به حدی مخلوط بود و من هم به حدی غیرجدی نسبت به حرف‌های او که حتی یک مورد را هم به خاطر ندارم.

در زمان انقلاب، به خصوص در زمان نخست‌وزیری ازهاری و بختیار، ثابتی بدون اطلاع قبلی حداقل هفته‌ای ۲ بار به دفتر می‌آمد و بیشتر اخبار تظاهرات را می‌داد که قبلاً به اطلاع دفتر رسیده بود؛ احساس کردم از این ملاقات‌های بیش از حد و بدون موضوع، منظوری دارد. ثابتی احساس کردم ثابتی تصور می‌کند چون وضع قاراش‌میش شده، چه بهتر که من بختیار را کنار بزنم و خود حکومت کنم تا ثابتی نخست‌وزیر شود! صریحاً نگفت ولی منظورش روشن بود.

قرار گذشته بودم شب‌ها به ثابتی تلفن کنم و آخرین اطلاعات را تا آن لحظه از او بگیرم؛ چنین می‌کردم. حدود ۱۰ روز قبل از انقلاب ثابتی برای خداحافظی به دیدنم آمد و گفت می‌خواهد به آمریکا برود و همتای آمریکایی او در سفارت برایش مسجل کرده که در «سیا» شغلی به او واگذار خواهد شد، از این جهت راضی به نظر می‌رسید. قرار شد پس از رفتن او با همان شماره با عطارپور تماس بگیرم و آخرین وضعیت را بپرسم؛ بعد از رفتن او شب‌ها از کلوب «ایران جوان» به عطارپور تلفن می‌کردم تا بالاخره ۵ ـ ۴ روز قبل از انقلاب عطارپور نیز اطلاع داد فردا به خارج خواهد رفت. او گفت به اسرائیل می‌رود و سازمان امنیت اسرائیل از او برای کار دعوت کرده است؛ عطارپور بعد از خداحافظی تلفنی، فرد دیگری را معرفی کرد که با همان شب‌ها تلفن کنم.

یکی- دوبار دیگر از کلوب «ایران جوان» تلفن کردم تا بالاخره به علت پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن این رابطه نیز قطع شد.

***

منبع: فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

روزنه

۲۶ اقدام اساسی در پاسخ به خروج آمریکا از برجام

احسان خانه‌آباد: سرانجام آنچه را منتظرش بودیم فرارسید و آمریکا از معاهده تاسف‌برانگیز برجام که دستاوردی جز هیچ برای ایرانیان نداشت خارج شد لذا از نظر حقوقی برجام معاهده‌ای فاقد اعتبار محسوب می‌شود، هر چند به جهت اتمام حجت با تروئیکای اروپایی ممکن است خروج ایران از برجام حداکثر یک ماه دیگر به طول انجامد (البته به شرطی که برخی دولتمردان از خواب زمستانی بیدار شده و نخواهند ایران را منفرداً در برجام حفظ کنند) اما در پاسخ به بدعهدی آمریکا و رفتار سخیف رئیس‌جمهور فاسدش ضروری است اقداماتی به انجام برسد تا ضمن تنبه حداکثری رئیس‌جمهور آمریکا، درس عبرتی فراموش نشدنی به دشمنان اسلام و ایران داده شود و عزت ملی خدشه‌دار شده طی اجرای معاهده برجام مجددا به سطح اعلای خود بازگردد. بنابراین اقداماتی به شرح زیر به دولت محترم پیشنهاد می‌شود:

۱- تغییر تیم مذاکره‌کننده با تروئیکای اروپایی با عناصر شناسنامه‌دار ضد آمریکایی

۲- توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی

۳- دستور صریح به کاهش سطح روابط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پایین‌ترین سطح مورد تاکید NPT

۴- از رده خارج کردن سانتریفیوژهای IR۱ و تولید و نصب سریع سانتریفیوژهای IR۲M

۵- راه‌اندازی زنجیره آزمایشی IR۸

۶- آغاز پروژه‌های تحقیقاتی جدید به منظور تولید سانتریفیوژهایی پیشرفته‌تر از IR۸

۷- بازگشایی سایت راکتور آب سنگین اراک و بازتولید مجدد کالندریای پر شده با بتن

۸- توقف صادرات آب سنگین و افزایش ذخیره استراتژیک آب سنگین کشور

۹- اعلام رسمی صدور خدمات فنی- مهندسی در حوزه هسته‌ای به کشورهای همپیمان جمهوری اسلامی

۱۰- تبدیل سایت فردو به یک سایت هسته‌ای و راه‌اندازی زنجیره‌های تولید سوخت ۲۰ درصد

۱۱- آغاز پروژه‌های طراحی راکتورهای نسل چهارم

۱۲- ارتقای سطح غنی‌سازی کشور به بالای ۶۰ درصد به منظور تامین سوخت راکتورهای نسل چهارم

۱۳- آغاز طرح هیدروژن هسته‌ای با بهره‌گیری از راکتورهای نسل چهار به منظور تامین سوخت پاک در دهه‌های آینده

۱۴- آغاز فعالیت‌های تحقیقاتی روی هات‌سل‌ها و فرآیند بازفرآوری اورانیوم

۱۵- ایجاد مجدد سازمان فضایی کشور

۱۶- حذف دلار از چرخه اقتصاد کشور

۱۷- قطع ارتباط با شرکت‌های نفتی و خودروساز فرانسوی در صورت پیروی از سیاست‌های آمریکا

۱۸- تحریم کالاهای مصرفی تولید کشورهای شرکت‌کننده در تحریم ایران علی‌الخصوص ناقضان برجام

۱۹- اعلام برنامه حمایتی سالانه از نهضت‌های اسلامی ضداسرائیلی و تقویت نظام سوریه، حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن

۲۰- تکیه حقیقی بر اقتصاد مقاومتی و قطع وابستگی در حوزه‌های مورد تحریم به خارج از کشور

۲۱- ایجاد تاسیسات جدید فنی و نظامی جهت کنترل بیشتر تنگه استراتژیک هرمز

۲۲- عدم ارائه خدمات هوایی به خطوط هواپیمایی آمریکایی و همپیمانانش در صورت اقدام مشابه

۲۳- توقف صادرات نفت خام و هرگونه ماده خام معدنی به مقصد کشورهای اروپایی

۲۴- عقد قرارداد خرید سیستم‌های پدافند پیشرفته اس ۴۰۰، جنگنده و هواپیمای مسافری با روسیه

۲۵- اتخاذ قوانین سختگیرانه در تردد شهروندان آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به کشور در تناسب با قوانین مشابه در کشورهای یادشده

۲۶- اعلام قطع رابطه تجاری با کشورهایی در منطقه که در تحریم‌های تجاری آمریکا علیه ایران مشارکت کنند.

هر چند می‌توان اقدامات دیگری نیز بر این لیست افزود اما برخی معتقدند مهم‌ترین اقدامی که می‌تواند شک قابل توجهی در عرصه سیاست بین‌الملل ایجاد کرده و شرایط را برای اعمال سیاست‌های مقتدرانه جمهوری اسلامی در جهان فراهم کند، تغییرات جدی در سیاست داخلی و اتخاذ رویکرد انقلابی از سوی دستگاه اجرایی کشور است.

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱